



نظریه یادگیری واتسون

یادگیری اساس رفتار آدمی می‌باشد. اکثر رفتارهای آدمی حاصل **یادگیری** می‌باشد. انسان از طریق یادگیری روی محیط خود تاثیر می‌گذارد و از آن تاثیر می‌پذیرد.

[۱] قلی‌پور، فرض‌الله، کلیات روان‌شناسی، ۱۳۷۶، تهران، برگزیده، چاپ اول، ج ۲، ص ۶۹.

فرآیند یادگیری از آغاز تولد انسان شروع می‌شود و تا پایان عمر او ادامه دارد و ساحت‌های فراوانی از یادگرفتن، سخن گفتن، رفتار اجتماعی و پرورش عقلانی، عاطفی و روحی و اخلاقی و... را شامل می‌شود.

روان‌شناسان همواره تلاش داشته‌اند که فرآیند یادگیری را تبیین کنند و در قالب نظریاتی به توضیح تئوریک این فرآیند بپردازند. البته این تلاش‌ها نیز چون هر تولید علمی دیگری که در چرخه دانش‌زایی به وجود می‌آید، معمولاً تحت تاثیر رویشگاه نظری مورد تعلق خاطر نظریه‌پردازان است.

یکی از روان‌شناسانی که نام او در صدر منابع روان‌شناسی یادگیری است، **جان برادوس واتسون** (John Broadus Watson: ۱۸۷۸-۱۹۵۸)، روان‌شناس آمریکایی و پیشرو نظریه رفتارگرایی می‌باشد. نظریه او را عمدتاً شرح و بسط **نظریه پاولف** می‌دانند ولی ابتکارات خاص وی در این زمینه، او را **پاولف** متمایز می‌کند. یکی از ابتکارات واتسون، آزمایش‌های انسانی اوست.

فهرست مندرجات

- ۱ - واتسون و ارائه نظریه یادگیری
- ۲ - مبانی روش‌شناختی و مکتب نظریه
- ۳ - تشریح نظریه
- ۳.۱ - شرح و بسط نظریه پاولف
- ۳.۲ - آزمایش‌های انسانی واتسون
- ۳.۳ - یادگیری در حیوانات
- ۳.۴ - آزمایش شرطی‌شدن انزجاری
- ۴ - پانویس
- ۵ - منبع

واتسون و ارائه نظریه یادگیری

واتسون در سال ۱۹۰۳ از دانشگاه شیکاگو درجه دکترا گرفت. وی بالغ بر ۱۲ سال استاد روان‌شناسی تجربی و تطبیقی و مدیر آزمایشگاه روان‌شناسی جانز هاپکینز بود. از ۱۹۲۰ وارد موسسه‌ها و شرکت‌های تبلیغاتی شد، اما از تلاش و آزمایش‌های روان‌شناسی دست نکشید و پیوسته نتیجه آزمایش‌های خود را به صورت مقاله و کتاب منتشر می‌کرد.

رفتارگرایی در سال ۱۹۲۰ به اوج خود رسید و در سال ۱۹۴۰ رو به افول نهاد، اما در مردم و مجامع علمی اثر انکارناپذیری از خود به جای گذاشت. آثار مهم واتسون عبارت‌اند: از رفتار (۱۹۱۴)، روان‌شناسی از دیدگاه رفتارگرا (۱۹۱۹)، رفتارگرایی (۱۹۲۵) و راه‌های رفتارگرایی (۱۹۲۸).

[۲] پارسا، مجد، روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها، تهران، بعثت، ۱۳۷۲، چاپ دوم، ص ۹۹.

با این حال عجیب است که واتسون هرگز نظریه کامل و رضایت‌بخشی درباره یادگیری تدوین نکرد و این‌طور نشان می‌دهد که از لحاظ مفهوم به تداعی‌گرایان کهن پیش از **ثورندایک** تعلق دارد.

[۳] شکرکن، حسین و دیگران، مکتب‌های روان‌شناسی و نقد آن، تهران، سمت، ۱۳۸۴، چاپ چهارم، ج ۲، ص ۶۵.

ولی نفس شبهه‌ای که او در تاثیر **ورانت** در **رشد** ایجاد کرد و بزرگسالی را محصول یادگیری شرطی دوران **کودکی** دانست (فارغ از اثبات نادرستی این تعمیم در آثار اندیشمندان پس از او) خود می‌تواند نقطه امتیاز او و دیگران باشد.

مبانی روش‌شناختی و مکتب نظریه

وی، همچون ثورندایک، پاولف، اسکینر و گاتری و دیگر نظریه‌پردازان محرک - پاسخ، از مشرب تداعی‌گرایان (تجربه‌گرایان) الهام گرفته است. تداعی‌گرایان محرک - پاسخ بررسی‌های خود را فقط به رویدادهایی محدود می‌کنند که به طور مستقیم از راه مشاهده و سنجش به دست آمده باشند.

[۴] پارسا، مجد، روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها، تهران، بعثت، ۱۳۷۲، چاپ دوم، ص ۴۳-۴۴.

واتسون، نخستین کسی است که در مقام مخالفت با نظریه **ساختارگرایی** یا درون‌نگری برآمد. برخی محققین، وی را پیشروترین فرد در اصرار بر **روان‌شناسی تجربی** دانسته‌اند که البته ادعای گزافی نیست؛ زیرا او بیش از ثورندایک عقیده داشت که دانش روان‌شناسی را باید بر اصول علوم فیزیک و شیمی استوار نمود.

به نظر واتسون نه تنها **ذهن** و **مفاهیم ذهنی** و انتزاعی نمی‌توانند در پژوهش‌های علمی جای داشته باشند، بلکه هیچ‌گونه ارتباطی هم با وظیفه اصلی **روان‌شناسی** ندارند.

وی سرسختانه با مفاهیم ذهنی و انتزاعی (Mentalistic Concepts) در تحقیقات روان‌شناسی مخالفت می‌ورزید و معتقد بود که در روان‌شناسی، مانند علوم تجربی، رفتار باید ملاک عمل باشد و از روش‌های عینی استفاده شود و هر امری که محسوس و مشهود نباشد باید از متن پژوهش‌های روان‌شناسی خارج گردد، فقط رفتاری که جنبه عینی دارد موضوع اصلی روان‌شناسی واقع شود.

واتسون همانند فیزیولوژیست‌ها تحقیقات خود را به جنبه‌های مشهود زندگی حیوانی اختصاص می‌دهد تا بتواند رفتار را به نحوی آشکار بررسی و ارزیابی کند. [۵] پارسا، مجد، روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها، تهران، بعثت، ۱۳۷۲، چاپ دوم، ص ۱۰۲-۹۹.

تشریح نظریه

تشریح نظریه یادگیری واتسون شامل توضیح درباره ارتباط نظریه واتسون با نظریه پاولف، آراء واتسون درباره آموزش حیوانات و آزمایش‌های انسانی وی خواهد بود.

← شرح و بسط نظریه پاولف

تحقیقات واتسون در زمینه یادگیری را باید بسط و تکمیل و توضیح نظریه **ایوان پتروویچ پاولف** (Ivan Petrovich Pavlov: ۱۸۴۹-۱۹۲۶)، فیزیولوژیست و روان‌شناس روسی در یادگیری دانست و چارچوب نظری کار واتسون را باید نظریه یادگیری پاولف انگاشت؛ چنانچه گفته‌اند: «واتسون نخستین دانشمندی است که پژوهش‌های پاولف را در کشورهای متحد آمریکا رواج داد و از نتیجه تحقیقات او برای گسترش نظریه رفتارگرایی خود بهره فراوان گرفت. وی اعتقاد راسخ داشت که یادگیری بر اساس نظریه و نظام پاولف توصیف می‌شود. یعنی، امر یادگیری فرایند یا جریانی است از بازتاب‌های شرطی که از طریق جانشین ساختن محرک شرطی به جای محرک اصلی حاصل می‌شود.» [۶] پارسا، مجد، روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها، تهران، بعثت، ۱۳۷۲، چاپ دوم، ص ۱۰۲.

بنابراین، واتسون را بیشتر یک شارح باید دانست که افکار پاولف را بسط داد و پایه‌های آن را با ابتکار روش تجربی و تاکید بر عینی‌گرایی محکم نمود. البته این سخن نه به صرف حضور مفاهیم محرک و پاسخ در نظریات یادگیری اوست، زیرا روان‌شناسی عنصر محرک - پاسخ، حضوری بسیار فراگیر و زیرساختی در روان‌شناسی یادگیری دارد و برای همین برخی اساساً مدعی شده‌اند که: «اکثر نظریه‌های یادگیری را می‌توان کوشش‌هایی برای تعیین قوانینی که به وسیله آنها محرک‌ها و پاسخ‌ها باهم **تداعی** می‌شوند دانست.» [۷] هرگنهان، بی آر و السون، متیو اچ، نظریه‌های یادگیری، علی‌اکبر سیف، تهران، دوران، ۱۳۸۹، چاپ شانزدهم، ص ۲۷۲.

← آزمایش‌های انسانی واتسون

از ابتکارات واتسون در چارچوب نظری شرطی‌سازی پاولف، تایید آن با آزمایش‌های انسانی بود. [۸] زارع، حسین، روان‌شناسی یادگیری، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۹، چاپ هشتم، ص ۵۱. که همان آزمایش معروف با آلبرت کوچولو است که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

← یادگیری در حیوانات

به گفته واتسون، هر پاسخی که تحصیل آن امکان‌پذیر باشد نمی‌تواند با هر محرکی ارتباط پیدا کند. یادگیری در حیوانات با مقاصد و افکار سروکار ندارد. در واقع "مقاصد و افکار" مفاهیمی خارج از قلمرو روان‌شناسی علمی هستند. این امر را می‌توان با تعلیم به حیوانات به اثبات رساند. اگر بخواهیم سگی با گفتن "بنشین" از دستور اطاعت کند و بنشیند، هنگامی که حیوان این کار را انجام می‌دهد باید تکه گوشتی بالای سرش نگه داریم.

پس از چندین بار تکرار هر وقت به سگ چنین فرمانی داده شود به خوبی می‌تواند پاسخ مطلوب را بدهد. در این مثال اگر محرک‌های دیگری مانند نور چراغ، زنگ، اشاره انگشت یا سوت را به کار بریم و حیوان نسبت به آنها همان حساسیتی را نشان بدهد که نسبت به گوشت می‌داد، ممکن است پاسخ نخستین را دریافت داریم.

وآنکهی، با به کاربردن همین شیوه به احتمال زیاد سگ هر عملی را، مانند سرپا ایستادن، چرخ خوردن، بالا و پایین پریدن و جز آن را انجام می‌دهد. این اصل در یادگیری، که اساس رفتارگرایی را تشکیل می‌دهد، به اصل **جانشین‌سازی** (Substitution) محرک معروف است. [۹] پارسا، مجد، روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها، تهران، بعثت، ۱۳۷۲، چاپ دوم، ص ۱۰۴-۱۰۳.

← آزمایش شرطی‌شدن انزجاری

واتسون یکی از معروف‌ترین آزمایش‌های خود را درباره یادگیری به همراهی رینر (Rayner) (دستیار واتسون که واتسون بعد از جدایی از همسر اولش با او ازدواج می‌کند. [۱۰] هرگنهان، بی آر و السون، متیو اچ، نظریه‌های یادگیری، علی‌اکبر سیف، تهران، دوران، ۱۳۸۹، چاپ شانزدهم، ص ۸۸.

) انجام داد که باید آن را **شرطی‌شدن انزجاری** (Aversive Conditioning) نامید. [۱۱] پارسا، مجد، روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها، تهران، بعثت، ۱۳۷۲، چاپ دوم، ص ۱۰۴-۱۰۳.

او در این آزمایش به نحوه کسب هیجان ترس پرداخته است.

[۱۲] آقاییوسفی، علیرضا و دیگران، روان‌شناسی عمومی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۶، چاپ اول، ص ۲۹۹. این آزمایش هم تاییدی دیگر بر نظریه پاولف درباره تبیین چگونگی کسب هیجانات است.

طرح آزمایش به این قرار است:

به کودک ۹ ماهه‌ای به نام آلبرت چند حیوان پشمالو، مانند موش صحرایی و خرگوش که قبلاً آنها را ندیده بود نشان دادند. آلبرت کوچک نترسید، حتی دست خود را دراز کرد که آنها را بگیرد. روز دیگر که یک موش صحرایی سفیدرنگ را به او نشان دادند، آلبرت با خوشحالی کودکانه به سوی حیوان روی آورد تا با او بازی کند.

در این هنگام با ضربه‌ای ناگهانی، صدای بلند و خشنی پشت سر او ایجاد نمودند. کودک از این صدا نخست بکه خورد و بعد به گریه افتاد. این عمل چندبار تکرار شد. بعداً هر وقت موش را به او نشان می‌دادند، آلبرت می‌ترسید و روی برمی‌گرداند.

در این آزمایش موش محرک شرطی و ترس پاسخ شرطی آن است. کودک بر اثر این تجربه، نه تنها از موش صحرایی، بلکه از همه موجوداتی که مانند آن مودار یا پشمالو بودند می‌ترسید و دوری می‌جست.

به طوری که می‌دانیم این رویداد را، همچنان که پاولف عنوان کرده است، **تعمیم محرک** (Stimulus Generalization) می‌نامند. واتسون ترسی را که بدین‌گونه در کودک به وجود آمده بود توانست از راه **خاموشی** از بین ببرد.

بدین معنی که هنگام غذا دادن به آلبرت همان موش را از دور به او نشان دادند و هربار که این کار را تکرار می‌کردند موش را نزدیک‌تر می‌آوردند و کودک را نوازش می‌کردند. بی‌آنکه صدای ترسناک را ایجاد نمایند. و این عمل را که در روان‌شناسی **شرطی‌زدایی** (Reconditioning) می‌نامند سبب شد که ترس حاصل از شرطی‌شدن از میان برود و کودک به حال عادی باز گردد.

[۱۲] پارسا، مجد، روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها، تهران، بعثت، ۱۳۷۲، چاپ دوم، ص ۱۰۴-۱۰۳.

۱. ↑ قلی‌پور، فرض‌الله، کلیات روان‌شناسی، ۱۳۷۶، تهران، برگزیده، چاپ اول، ج ۲، ص ۶۹.
۲. ↑ پارسا، مجد، روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها، تهران، بعثت، ۱۳۷۲، چاپ دوم، ص ۹۹.
۳. ↑ شکرکن، حسین و دیگران، مکتب‌های روان‌شناسی و نقد آن، تهران، سمت، ۱۳۸۴، چاپ چهارم، ج ۲، ص ۶۵.
۴. ↑ پارسا، مجد، روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها، تهران، بعثت، ۱۳۷۲، چاپ دوم، ص ۴۳-۴۴.
۵. ↑ پارسا، مجد، روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها، تهران، بعثت، ۱۳۷۲، چاپ دوم، ص ۹۹-۱۰۲.
۶. ↑ پارسا، مجد، روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها، تهران، بعثت، ۱۳۷۲، چاپ دوم، ص ۱۰۲.
۷. ↑ هرگنهان، بی آر و السون، متیواچ، نظریه‌های یادگیری، علی‌اکبر سیف، تهران، دوران، ۱۳۸۹، چاپ شانزدهم، ص ۲۷۲.
۸. ↑ زارع، حسین، روان‌شناسی یادگیری، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۹، چاپ هشتم، ص ۵۱.
۹. ↑ پارسا، مجد، روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها، تهران، بعثت، ۱۳۷۲، چاپ دوم، ص ۱۰۳-۱۰۴.
۱۰. ↑ هرگنهان، بی آر و السون، متیواچ، نظریه‌های یادگیری، علی‌اکبر سیف، تهران، دوران، ۱۳۸۹، چاپ شانزدهم، ص ۸۸.
۱۱. ↑ پارسا، مجد، روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها، تهران، بعثت، ۱۳۷۲، چاپ دوم، ص ۱۰۳-۱۰۴.
۱۲. ↑ آقاییوسفی، علیرضا و دیگران، روان‌شناسی عمومی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۶، چاپ اول، ص ۲۹۹.
۱۳. ↑ پارسا، مجد، روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها، تهران، بعثت، ۱۳۷۲، چاپ دوم، ص ۱۰۳-۱۰۴.

منبع

سایت پژوهه، برگرفته از مقاله «نظریه یادگیری واتسون»، تاریخ بازیابی ۹۸/۰۱/۱۴.

رده‌های این صفحه : روان‌شناسی آموزش | مباحث روان‌شناسی | نظریه‌های روان‌شناسی | نظریه‌های یادگیری در روان‌شناسی